



نقش زنان مهاجر در زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی^۱

نرگس فیضی^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها در دین مبین اسلام به عنوان برترین و آخرین دین الهی، ارزش‌دهی به زنان به عنوان یک عضو اساسی جامعه است. همچنین زنان نیز مهم‌ترین جایگاه را در زمینه‌سازی تمدن اسلام دارند. با توجه به اینکه میزان پیشرفت، بقا و پایداری تمدن اسلام در حلهٔ اول به میزان اهمیت‌دهی نقش زنان در داخل آن بستگی دارد و از آنجاییکه نقش زنان علاوه بر اینکه در اقتدار و بقای تمدن اسلامی بسیار مفید و کارساز بوده است، بلکه زنان توانسته‌اند با انواع حمایت‌های خویش، دین مبین اسلام را یاری نمایند. از این جهت پژوهش حاضر با روش توصیفی و با رویکرد تحلیلی بعد از پردازش به مسائل بنیادین هجرت و تمدن در اسلام با توجه به حضور و نفوذ پر رنگ زنان صدر اسلام در حل بن‌بست‌های فرهنگی، علمی، نظامی، سیاسی و اقتصادی همچنین در راستای مبارزه با پیش‌آمدهای احتمالی برای زنان مبلغ مهاجر را تبیین خواهد کرد. البته با توجه به مقتضیات زمان و نظر به سیر تاریخی اسلام در مورد جایگاه زنان، اولویت این پژوهش تبیین شاخصه‌های زنان در تمدن اسلامی و جایگاه هجرت آنان خصوصاً در زمان رسول گرامی اسلام ﷺ می‌باشد.

واژگان کلیدی: اسلام، زنان، هجرت، تمدن، تبلیغ.

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۲/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۰۲.

۲. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن، جامعه‌المصطفیٰ ﷺ العالمیه؛

مقدمه

دین اسلام با اوّلین ظهور خویش توسط پیامبر اکرم ﷺ مخالفان زیادی از سوی مشرکین داشته است؛ به طوری که این مخالفت‌ها عرصه را بر مسلمانان تنگ ساخته بود و به نحوی امرار معاش شان ناممکن شده بود. پیامبر ﷺ نظر به دستور الهی پیروان خویش را در مراحل دستور به مهاجرت دادند و خود نیز آغازگر هجرت به سوی یثرب بودند. زنان که دوشادوش مردان تعدادی از مهاجران را تشکیل می‌دادند با پیوستن به این گروه تمام رنج‌های هجرت را به جان خریدند و لحظه‌ای دم بر نیاوردند. آن‌ها نه تنها خود از مهاجران بودند بلکه تا حدّ امکان دیگران را از حمایت خویش دریغ نمودند. تاریخ اسامی برترین زنان صدر اسلام را برای ما ثبت نموده که با انواع حمایت خویش به نحو چشمگیری در گسترش تمدن نوین اسلامی سهم فعال داشتند و همواره از فرمایشات پیامبر اکرم ﷺ پیروی می‌نمودند و علاوه بر خویش دیگران را نیز به این ترغیب می‌کردند. قبل از فتح مکه توسط پیامبر اکرم ﷺ نیز زنان زیادی به علت پذیرش دین اسلام از مکه فرار نموده و حتی گروهی از آن زنان با پیامبر اکرم ﷺ بیعت نمودند و قرآن کریم خود گواه بر این مسئله است. (ممتحنه: ۱۰). با اینکه آیین اسلام خود اوّلین قوه محرکه تمدن اسلامی بوده و هنوز هم یکی از عوامل اساسی این تمدن است. بدون شک، این تمدن اسلامی مانند هر تمدن دیگری به تکیه‌گاه مادّی نیاز دارد که یکی از آن تکیه‌گاه‌ها زنان صدر اسلام بودند. به سخن دیگر تمدن اسلامی در یکی از معدود محل‌های شهری که در عربستان وجود داشت و می‌توان آن را شهر نامید متولد شد و نفوذ اساسی خود را در شهرها دنبال کرد که این گسترش نفوذ اعم از فرهنگ و تمدن نیازمند وجود زنان است.

نوشته‌هایی که تاکنون حول محور زنان صدر اسلام و میزان نقش‌آفرینی آنها به چاپ رسیده بسیار معدود هستند و در عین حال به چگونگی حمایت‌های زنان مهاجر تفصیل داده نشده است.

بر این اساس بررسی نقش زنان مهاجر صدر اسلام در زمینه‌سازی و توسعه آن نه تنها مورد اهمیت است بلکه می‌تواند راهگشای مناسبی باشد برای آن عده از مبلغین خصوصاً خواهران مبلغی که به منظور فراگیری علوم اسلامی از بلاد خویش دست به هجرت می‌زنند و خود را با هرگونه پیش‌آمدهای هجرت آماده می‌سازند.

آن دسته از سؤالاتی که این مقوله درصدد پاسخگویی به آن است:

۱. هجرت چیست؟ انواع هجرت کدام است؟ و اولین مهاجر اسلام چه کسانی بودند؟
۲. تمدن چیست؟ منظور از تمدن نوین اسلامی چه می‌باشد؟ وهجرت زنان چه ارتباطی در تمدن نوین اسلامی دارد؟
۳. زنان صدر اسلام چه نقشی در زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی داشتند؟
۴. حمایت‌های فرهنگی، علمی، هنری، سیاسی، نظامی و اقتصادی زنان مهاجر صدر اسلام بر چه نحوی می‌باشد؟
۵. با توجه به الگوگیری از عملکرد زنان مهاجر صدر اسلام، چه خطراتی فراروی زنان مهاجر عصر کنونی است و راه برون رفت از این خطرات به طور عموم چیست؟

۱. مفهوم شناسی و جایگاه هجرت

هجرت از عناصر مهم سیاسی و فرهنگی ملل‌ها بوده و بهترین راه برون رفت از حکومت مردود است. در آیات متعددی از قرآن به مسئله هجرت اشاره شده است. (ر.ک: نحل: ۴۱ و ۱۱۰؛ انفال: ۷۲ و ۷۴-۷۵؛ نساء: ۹۷ و ۱۰۰).

اسلام برای هجرت و مهاجرین اهمیت زیادی قائل شده و در قبال تحمل رنج هجرت، آنان را در زیر سایه رحمت و وسعه خویش قرار می‌دهد. «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ «کسی که از اهل شرک جدا شود و از وطن خود بخاطر دینش بسوی سرزمین اسلام مهاجرت کند». «يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَ

سَعَةً؛ «در روی زمین جاها و جولانگاه‌های بسیار و گشایشی در روزی بدست خواهد آورد». این معنی از ابن عباس و ضحاک و ربیع است. (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۶/۱۲).

هجرت از ریشه (هجر) گرفته شده به معنای عرفانی آن التفات به سوی حق، هم در ظاهر و هم باطن می‌باشد و در اصطلاح عموم به معنای دوری و فراق تعبیر گردیده است. (فرهنگ معارف اسلامی، ج ۳/ ۲۱۷۵).

به قول دیگر هجرتی در اسلام ارزش بیشتری دارد که برای حفظ دین انجام گرفته باشد و در محلی که مسلمانان نمی‌توانند به وظایف شرعی خویش به درستی عمل نمایند و توانایی هجرت را دارند، هجرت از چنین بلاد بهترین گزینه و گویی تنهاترین گزینه است و در غیر از آن ظلم به خویش محسوب می‌گردد و قرآن درباره آن‌ها چنین می‌فرماید: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ» (نحل: ۲۸). علامه در تفسیر آیه چنین می‌فرماید: (مراد به ظلم همچنان که آیه سوره نحل تأیید می‌کند ظلم به نفس است و ظلم به نفس در اثر اعراض از دین خدا و ترک اقامه شعائر خدا حاصل می‌شود و این نیز در اثر واقع شدن و زندگی کردن در بلاد شرک و در بین کفار معاند قرار گرفتن پدید می‌آید، انسان وقتی خود را در چنین وضعی و موقعیتی قرار دهد دیگر راهی ندارد که معارف دین را بیاموزد و بدانچه دین خدا او را بدان می‌خواند عمل کند و به وظایف عبودیت قیام نماید.) (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۵/ ۷۶)

خداوند در سخن دیگر خویش اجر مهاجرانی را که پیش از رسیدن به مقصد از دنیا بروند ضایع ننموده و آن‌ها را مشمول مغفرت خویش قرار می‌دهد: «مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»؛ «هرکس بخاطر دین از وطن خود فرار کند و بسوی خدا و رسول بشتابد و پیش از رسیدن به سرزمین اسلام - مدینه - مرگش فرا رسد، ثواب عمل و پاداش هجرتش بر خداوند متعال است». «وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا

رَحِيمًا»؛ «خداوند آمرزنده گناهان و به بندگان رحیم و با ایشان رفیق است». روایاتی که در باره معنای آیه رسیده‌اند. حسن از پیامبر نقل کرده است که: «کسی که بخاطر دینش از زمینی به زمینی دیگر - و لو باندازه یک وجب فاصله باشد - برود سزاوار بهشت است و رفیق محمد ﷺ و ابراهیم ؑ خواهد بود» همه اینها حاکی از اهمیّت هجرت و جایگاه رفیع آن دارد که دست مسلمانان را در این مورد باز گذاشته و در صورت نیاز آن‌ها را تشویق به مهاجرت می‌نماید.

۲. مفهوم و جایگاه تمدن اسلامی

تمدن از واژه لاتین "civits" که معادل کلمه "poleis" یونانی قدیم است، گرفته شده. تمدن "civilisation"، اسم مصدر "civiliser" یعنی متمدن کردن می‌باشد. یونانی‌های باستان با این کلمه نشان می‌دادند که شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانند که سازنده شکل برتری از زندگی است. در ادبیات فارسی علاوه بر تعریف یاد شده، تمدن به معنای همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و... می‌باشد. در جای دیگر تمدن به مفهوم خو گرفتن با اخلاق و آداب شهریان نیز آمده است. (معین، ج ۱/۱۱۳۹) باید در نظر گرفت معنای تمدن در شهرنشینی خلاصه نخواهد شد و چنین تعریفی با جامعه مدینه آن زمان که با بیابان‌گردی و چادرنشینی خو گرفته بودند سازگاری ندارد. بلکه حقیقت این است که تمدن از زمانی پدید می‌آید که انسان مرحله اوّل زندگی بدوی را ترک گفته و شهرنشینی را آغاز کند نه اینکه حتماً شهرنشین باشد.

در اصطلاح، تعریف‌های متفاوت و فراوانی برای تمدن مطرح شده است که به پاره‌ای از آن اشاره می‌شود:

مجموعه اعمال و آرایی است که در هر جامعه افراد انسانی از بزرگتران فرا می‌گیرند و به نسل جوان تحویل می‌دهند؛

نظامی است اجتماعی که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی شده و به منظور بهره‌گیری از اندیشه‌ها، آداب، رسوم و هنر دست به ابداع و خلاقیت می‌زند: نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون، نگهدارنده آن می‌باشد و نظامی است اقتصادی که با تداوم تولید پایدار خواهد ماند؛
مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی؛

حاصل و نتیجه معرفت‌ها و مهارت‌هایی است که نسل‌های مختلف در گذر از شرایط بدوی به شرایط طبیعی گرد آورده، حفظ کرده و در زندگی عملی خود به کار بسته‌اند؛

مجموعه پدیده‌های اجتماعی که وابسته به ارگانیکسم اجتماعی خاص^۳ نیست» (کاشفی، ۳۴-۳۵)

با دقت در این تعریف‌ها روشن می‌شود که هرکس با رویکرد خاصی تمدن را تعریف کرده است ولی در کل همه این را می‌رساند که (تمدن) مجموعه دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر است.

۳. انواع هجرت و نقش آن در تمدن نوین اسلامی

باتوجه به تفسیر المیزان، علامه طباطبایی هجرت را تنها در ترک بلاد خلاصه نمی‌بیند و نظر به گفته‌های ایشان هجرت به دو معنای ظاهر و باطن تقسیم شده و در معنای عام آن هم شامل هجرت برون و هم درون می‌گردد: ((استعمال کلمه هجرت در دوری گزیدن از گناه] و ظاهراً مراد از "مهاجرین" در جمله: "فَالَّذِينَ هَاجَرُوا" معنایی است عمومی که شامل مهاجرت و دوری از شرک و هم دوری از فامیل و هم دوری از گناه می‌شود، چون اولاً کلمه "هاجرُوا" را مطلق آورده و ثانیاً در مقابل آن مسأله اخراج از دیار را ذکر کرده که همان هجرت به معنای اخص^۴ است و ثالثاً دنبال مسأله هجرت فرموده: "لَا كُفْرَانَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ..."، و کلمه سیئات در اصطلاح قرآن کریم به معنای گناهان صغیره است، پس معلوم می‌شود که مراد از مهاجرین کسانی

هستند که از گناهان کبیره اجتناب و یا توبه می‌کنند، و خدا هم از گناهان صغیره آنان صرف‌نظر می‌کند (دقت بفرمائید). (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۴/ ۱۳۹).

در کتاب دیگری به نام هجرت رسول‌خدا ﷺ هجرت را نظر به آیات و روایات به تقسیم‌بندی دیگری برای هجرت اشاره نموده است: (هجرت بائده (در برابر هجرت بادیه)، هجرت تاله، هجرت معنوی به سوی خدا، سستی از سنن انبیاء، فتنه و محنتی در راه ایمان، خروج از سرزمینی به سرزمین دیگر، خروج از آنچه مورد غضب خداوند است به آنچه مورد رضایت خداوند است. مهاجر کسی است که از نهی خدا به سوی امر و رضوان او هجرت کند، هجرت از قلعه جاهلیت مکه به مدینه، هجرت از ستم به سیادت، از بندگی و بردگی به آزادی و اضطراب و ناامنی به امنیت و آرامش، هجرت امری دائمی و فطری بشر است و راهی است برای تعالی و تکامل فرد و جامعه) (شهیدی پاک، ۱۳۹۰: ۲۷)

امام علی علیه السلام در سخنان گهربار خویش هجرت را اینگونه تبیین می‌نمایند: (و جوب هجرت بر همان اساس اولیّه‌اش باقی است. البته خدا را به مردم روی زمین از آنان که ایمانشان را پنهان دارند یا آشکار نمایند نیازی نیست. نام هجرت بر احدی واقع نمی‌شود مگر حجت خدا را در زمین بشناسد، کسی که حجت الهی را شناخت و به او اقرار کرد مهاجر است. و نام مستضعف بر آن که حجت به او رسید و گوشش آن را شنید و دلش آن را حفظ کرد صدق نمی‌کند.) (شریف الرضی، ۱۳۸۶: ۵۸۷).

با این بیان مفهوم حقیقی هجرت، شناخت حق و حجت در هر زمان و هجرت به سوی خدا بیان می‌گردد و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نمونه‌ای عالی مهاجر است که از سرزمینی در بند کفر و شرک به سرزمینی که در آن پرچم توحید بر افراشته می‌شود، هجرت کرده است.

منظور ما در این مقوله از هجرت به معنای یک حادثه تاریخی است و قضیه‌ای است که قبلاً واقع شده است و در مورد دیگر انواع و مفاهیم هجرت

بحث‌های فراوانی در کتب تاریخی و فلسفی و کلامی نهاده شده است و مد نظر ما هجرت در معنای اصطلاحی آن (هجرت رسول‌خدا از مکه به مدینه) است.

در حقیقت زنان با پذیرش دین اسلام و هجرت به سوی مدینه تحول عظیمی از تعالی را در وجود خود پدید آوردند و در وحله بعدی به نیازهای جسمانی و معنوی خویش در راستای قوانین اسلام توجه کرده‌اند که این عین تمدن است.

به قولی دیگر مسلمانان صدر اسلام با هجرت خویش چه از نوع مادی و چه معنوی به سوی پیشرفت قدم گزاردند و در مقطعی از زمان تحول می‌یابند که فراسوی تاریخ یک جامعه معین جریان می‌یابد.

به‌طور عموم از جمله ویژگی‌های یک تمدن ایده‌آل حرکت از چهارچوب خود به تمدن‌های دیگر و توجه به نقاط مثبت و سودمند آن تمدن است که هجرت مصداق بارز این حرکت است و زنان مهاجر نمونه‌ای از آن تمدن سازان.

۴. تاریخچه هجرت و اولین مهاجران

پس از گذشت ۱۳ سال سختی و آزار و اذیت دیدن مسلمانان در مکه پیامبر ﷺ نظر به امر الهی دستور به هجرت می‌دهد (اصفهانی، ۱۳۷۶: ۶۶). مسلمانان بعد از دوبار هجرت موفقانه به حبشه فایده هجرت را تجربه کرده بودند. پیامبر اسلام در رایزنی با اصحاب نقاط مختلفی را برای هجرت حقیقی مورد بررسی قرار دادند ولی هر بار پاسخی موفقانه نداشت تا اینکه خداوند اذن به هجرت داده و در کنار آن مکان هجرت را نیز مشخص می‌نماید. (عنکبوت: ۵۶). (مصطفوی، ۱۳۶۹: ج ۲/۳۲۵). مسلمانان از بلاد مختلف عازم مدینه می‌شوند و زمینه را برای حرکت رسول‌خدا ﷺ مهیا می‌نمایند. (ابن شعبه، ۱۳۷۶: ۴۹۰). این بار پیامبر اسلام ﷺ چهارم ربیع‌الاول (سال ۱۴ بعثت) از سوی خدا مأمور شد که به سوی یثرب برود اما این امر کار آسانی نبود،

زیرا ممکن بود او را تعقیب کنند و کار او را ناتمام بگذارند. به همین لحاظ پیامبر با اینکه خانه‌اش در محاصره کفار واقع شده بود شبانه به صورت مخفیانه از خانه بیرون شدند و امام علی علیه السلام بنا بر دستور پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر رسول‌خدا خوابید و مانع فهمیدن مشرکان از خارج شدن رسول‌خدا گردید. (مسعودی و نجفی، ۱۳۶۲: ۲۱۹).

با هجرت پیامبر به سوی مدینه تحول عظیمی در تمدن اسلامی رخ می‌دهد و لشکر اسلام و مسلمین روز به روز بر قدرتش افزون می‌گردد، آنچنانکه مبدأ تاریخ اسلام، از آن زمان به‌شمار می‌آید. (هلالی، ۱۴۰۵ق: ج ۲/ ۱۱۹؛ کمره‌ای، ۱۳۷۵: ج ۳/ ۲۵۷).

از بزرگترین فواید این هجرت می‌توان ایجاد وحدت و اخوت بین مسلمین را به‌شمار آورد که سرمنشأ و یادآور موفقیت‌های مسلمانان است (غفاری و مستفید، ۱۳۷۲: ج ۱/ ۱۶۵). برماست که ازین تاریخ پر برکت محافظت کرده و نگذاریم اغیار تاریخ میلادی را جایگزین آن نمایند.

راجع به اولین مهاجران صدر اسلام، ام‌سلمه و همسرش از پیشتازان در اسلام برای مهاجرت به سوی حبشه بودند (شهید ثانی، ۱۳۸۰: ۲۵۶). بعد از رفتن به حبشه اخباری دال بر خوشرفتاری مردم مکه با مسلمانان آن‌ها را دوباره به سوی مکه کشاند اما در نزدیکی مکه به دروغ بودن خبر پی بردند. آن‌ها به ابوطالب پناه بردند و بعد از سختی‌های فراوان به سوی مدینه هجرت نمودند.

اما از اولین مهاجران بعد از هجرت رسول‌خدا صلی الله علیه و آله به سوی مدینه امام علی علیه السلام با جمعی از زنان از جمله فاطمه بنت اسد (مادر امام علی علیه السلام)، فاطمه زهرا علیها السلام که بعداً همسر حضرت علی علیه السلام می‌گردند) و فاطمه بنت زبیر می‌باشد. (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۱۵۵)، ایشان بعد از رسیدن نامه رسول‌خدا صلی الله علیه و آله به سوی یثرب با پای پیاده هجرت کردند و با وجود تعرض کفار در مسیر هجرت که به وسیله شجاعت امام علی علیه السلام دفع گردید در مکانی به نام قباء به

پیامبر ﷺ پیوستند و از آنجا همه به سوی یثرب رفته و با استقبال گرم انصار مواجه گردیدند. (نصرین مزاحم؛ ۱۳۷۰: ۶۵۱؛ کمره‌ای، ۱۳۷۷: ج ۲ / ۵۰).

قابل یادآوری است که آمنه بنت وهب (مادر رسول اکرم ﷺ) خود نیز برای نجات جان پیامبر از دست دشمنان راهی هجرت شدند و در همین راه بیمار گشتند و در منطقه‌ای به نام ابواء از دنیا رفتند. (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ج ۱ / ۳۳۹).

۵. حمایت زنان مهاجر

۵-۱. حمایت فرهنگی

جوهره اصلی تمدن را فرهنگ تشکیل می‌دهد و درحقیقت تمدن مظهر مادی و معنوی فرهنگ به شمار می‌آید. از این‌رو فرهنگ نقش چشمگیری در پیشرفت تمدن دارد.

از گذشته تاکنون چه در امت‌های گذشته و چه در امت اسلام زنان بزرگی می‌زیسته که نام و شخصیت والایشان تا به حال باقی مانده است. همانا مردان بزرگ و افتخارآفرین نیز از دامان همین گونه زنان پرورش یافته است. با توجه به اینکه تربیت خانواده و وظیفه اساسی زن می‌باشد، خود یک حمایت فرهنگی است اما زنان پای را فراتر گذاشته و با اراده بی‌بدیل خود مدارج زن را به اعلا‌ی انسانیت رساندند. با نگاهی تاریخی به دستاوردهای مختلف مادی و معنوی روبه‌رو می‌شویم که حکایتگر تمدن هستند. اما سؤال اینجاست که چه عاملی موجب ایجاد این توسعه است؟ آیا طبیعت خود به خود به آن رسیده یا پدیده دیگری در آن دخیل بوده؟ یقیناً خواهیم گفت انسان‌ها با فطرت و قوه عقلانی خویش نقش محوری داشته و بدون او عوامل چه مادی و چه معنوی بی‌موضوع می‌باشد. در بین زنان بزرگ صدر اسلام اعم از قبل و بعد هجرت زنان بافضیلت همچون خدیجه کبری رضی الله عنها، فاطمه زهرا رضی الله عنها، زینب کبری رضی الله عنها وجود داشته که نقش مهمی در بروز و اعتلا‌ی تمدن داشتند. دین اسلام یک انقلاب فکری و فرهنگی بود طوریکه نور علم و دین، هر زوایایی از زندگی مردم را روشن ساخته است. و خدیجه کبری رضی الله عنها اولین زنی بود که

رسالت پیامبر ﷺ را تصدیق نمود. این بانوی با کرامت به همراه رسول اکرم ﷺ چنان فرزندی تربیت نمود که لقبش سید زنان اهل بهشت است. (هلالی، ۱۴۰۵ق: ج ۱ / ۵۲۶) همسر گرامی پیامبر ﷺ همواره در حمایت خویش پیامبر ﷺ را تنها نمی‌گذاشت و تا می‌توانست او را در مقابل ظلم‌های مشرکان تسلی می‌داد. اخلاق عالی و صفات کمالش زبانزد خاص و عام بود، طوریکه رسول خدا را به خاطر فضایل اخلاقی و شرافت و عزت نفس و صفات پسندیده انتخاب نمود. ایشان تا زمانیکه زنده بود نمی‌گذاشت درد و اندوه پیامبر ﷺ که بخاطر ایذاء و جهالت قریشیان ایجاد شده بود در دل پیامبر ﷺ سنگینی کند. او خودش تنها شده بود اما نمی‌گذاشت پیامبر ﷺ تنها بماند. (ابن طاووس، ۱۳۷۴: ۴۴۲). همه و همه حاکی از حمایت فرهنگی یک زن نمونه تازه مسلمان و تمدن‌ساز است. بعد از ایشان فاطمه زهرا علیها السلام دختر گرانقدر حضرت در حدی از کمال معنوی رسیدند که تقدیر الهی بر این بود تا ایشان ادامه‌دهنده رسالت و حیات رسول خدا باشد. فاطمه زهرا علیها السلام جدا از اینکه کوثر اهدایی خداوند برای پیامبر ﷺ می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۷ / ۳۷۵) از همان کودکی مونس تنهایی مادرش بود و با مولود خویش جهان را نورانی نمود. همچون بانوی مطهره‌ای که در مهبط وحی به دنیا بیاید و تربیت‌کنندگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه کبری علیها السلام باشد به دور نیست که سید زنان اهل بهشت قرار گیرد. (هلالی، ۱۳۷۷: ج ۱ / ۲۱۶) ایشان در اوایل عمر خویش در مقابل مهر و عطوفت پدرشان شاهد بی‌رحمانگی و حمله‌های جاهلانه کفار بودند و این امر نمی‌گذاشت پدرش را به عنوان آخرین رسالت الهی مانند مادرش از حمایت خویش دریغ نماید. چه بسا جزء اولین زنان مهاجر اسلام بودند و برای پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله رنج هجرت را به جان خریدند. حتی بعد از هجرت نیز از هجوم دشمنان اسلام و احتمال خطر جانی برای پدر و شوهر و دیگر اقوام مضطرب بودند و همه اینها مصداق بارز حمایت فرهنگی ایشان است.

این بانوی بافضیلت زندگی فقیرانه و کلبه حقیرانه ولی سرشار با لحظات معنوی و ارتباط با خدا را بر مال و زینت دنیا ترجیح دادند. آنچنان شخصی که در شب عروسی جامه نو خویش را که یادگار مادرش بود به گدا صدقه می دهد. علاقه رسول خدا ﷺ به دخترش فاطمه زهرا علیها السلام تنها علاقه پدر و فرزند نبود بلکه فضائل اخلاقی، ایمان و معنویت در وجود او به قدری بود که پیامبر ﷺ به او عشق می ورزید. بانوی مکرمه اسلام نیز پیامبر ﷺ را علاوه بر پدری به چشم مقتدا و راهبر می دید و علاقه ایشان به پیامبر ﷺ به قدری بود که ایشان را امّ ابیها نام نهادند؛ (پیامبر ﷺ فرموده اند: (فاطمه بانوی بانوان تمام جهان است، از پیشینیان و آیندگان، و هرگاه در محراب عبادت خویش به عبادت می پردازد هفتاد هزار فرشته مقرب به او درود می فرستند و با او همانگونه که با مریم سخن گفته اند سخن می گویند که ای فاطمه! همانا خدایت تو را برگزیده و پاک کرده است و بر همه زنان جهانیان برتری داده است. آنگاه پیامبر ﷺ به علی رضی الله عنه رو کردند و فرمودند: ای علی! همانا فاطمه پاره تن من و نور چشم و میوه دل من است. هرچه او را اندوهگین کند مرا اندوهگین می سازد و آنچه او را شاد کند مرا شاد می کند و او نخستین کس از افراد خاندان من است که به من ملحق خواهد شد. پس از من نسبت به او نیکویی کن.) (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶: ۲۵۰).

ایشان روش شوهرداری را نیز به زنان آینده تعلیم می دهد و با تکیه به ایمان و اعتقاد قلبی خود در برابر مشکلات زندگی صبر نمودند. باتوجه به مقام بالا و عفت و زهدی که داشت کار درون منزل را خود برعهده گرفته بود و کار بیرون از منزل را به امام علی رضی الله عنه واگذار نمود. ثمره سالهای پر فراز و نشیب زندگی ایشان با امام علی رضی الله عنه سه پسر به نام حسن، حسین و محسن و دو دختر به نام زینب و امّ کلثوم می باشد. فاطمه زهرا علیها السلام در تربیت فرزندانشان کمال سعی و کوشش را داشتند. ایشان بعد از فوت پدر با وجود اندوه از فراق پیامبر، امام علی رضی الله عنه را حمایت می کرد و علاوه بر یک شوهر از او به عنوان ولی خدا تا حد امکان دفاع می نمود تا جائیکه او کین شهید راه ولایت گردیدند.

(مجلسی، ۱۳۷۹: ج ۴۳ / ۶۴۴) حضرت فاطمه زهرا علیها السلام علاوه بر تبلیغ شریعت اسلامی در گفتار و رفتار خویش، نام بلندی از خود برجای نهاد که تا ابد اسوه تمام عیار مردان و زنان مؤمن باقی خواهد ماند. بدون شک گسترش تمدن در گرو استعدادهای فطری و درونی انسان‌هایی است که با شناخت، باور، رفتار و گرایش‌های متعالی بخش خویش عامل مهم رسیدن به تکامل می‌باشد. هدایت الهی بر اثر آموزه‌های وحیانی انبیاء و وارثانش عامل اساسی شکوفایی این استعدادهاست و تمدن زیرسایه فرهنگ اسلامی نظامی منسجم می‌یابد که تاکنون با گذشت اندی سال بدون اندک نقصی پایدار مانده است.

۲-۵. حمایت علمی

جامعه اعراب در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله علاوه بر کمبود فراوانی که داشتند از علم خواندن و نوشتن محروم بودند و به جز تعدادی انگشت شمار از علم چیزی نمی‌دانستند. بعد از ظهور اسلام و آشنا شدن با فرهنگ و تمدن اسلامی از کارهای مهمی که زنان برعهده داشتند اینکه یکدیگر را از سواد خواندن و نوشتن آگاه نمایند. فاطمه زهرا علیها السلام شاگردانی همچون فضه، اسماء و رقیه داشت؛ (همان، ۳۹۶) که حتی برخی از مردان صحابی مثل جابر و سلمان به اینها مراجعه می‌کردند و با طرح سؤال پاسخ‌های خود را دریافت می‌نمودند. تدریس قرائت و تفسیر قرآن نیز از موارد مهمی بود که بعد از یاددهی خواندن و نوشتن، آموزش آن را برای دیگر زنان عهده‌دار می‌شدند. (همان، ۶۰) در گزارشی آمده که شفاء از آموزگاران عصر خود بود و به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله به همسرش خط آموخت. بخشی از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله به وسیله زنان به دیگران منتقل گردید طوری که یکی از محققان زندگینامه ۶۸ زن دانشمند و راوی را که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حدیث نقل کرده‌اند به رشته تحریر درآورده است. (سامانی، ۱۳۹۰: ۶۵) محقق دیگری، بیوگرافی ۱۵۰ زن راوی در سده نخست هجری را جمع‌آوری کرده است. (همان).

با گسترش علم در بین زنان حیات تازه‌ای در تمدن نوین اسلام به وجود آمد که مردم سرزمین را از حالت کسالت و جمودی فکری به توانمندی ذهنی کشانید و بستر پیدایش تمدن را به وجود آورد.

از دیگر زنان مهاجری که در بین مردم مدینه با سواد بودند، امّ کلثوم بنت عقبه، عایشه بنت سعد که خواندن و نوشتن می‌دانستند. دین اسلام نقش متساوی بین زنان و مردان در فراگیری علم در نظر گرفته است. در دین اسلام بر علاوه اینکه منع علم جایز نیست بلکه در تربیت زنان تأکید زیادی شده است. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اضْرِبُوا النِّسَاءَ عَلَى تَعْلِيمِ الْخَيْرِ» (راوندی، بی تا: ۱۳). کسانی مانند امّ سلمه در بین زنان مهاجر که روحیه پرسشگری زیادی نسبت به بقیه داشتند روایات زیادی از رسول گرامی نقل نموده‌اند. (سامانی، ۱۳۹۰: ۶۶) امّ رومان که وی نیز از زنان مهاجر می‌باشد و قبل از فتح مکه مسلمان گردیده بود در تبلیغ دین اسلام توانایی فراوانی داشت ایشان فرزند خویش عبدالرحمن را به دین اسلام فراخواند و بعد از محاجه‌های فراوان مسلمان نمود.

به گفته مورخان در زمان رسول گرامی اسلام ﷺ عرب در جاهلیت قرار داشت و علاوه بر نداشتن صنعتی از داشتن علم بهره‌ناچیزی داشتند. با شروع دین اسلام و ترغیب رسول گرامی ﷺ به کسب علم و دانایی تمدن نوپا جان تازه گرفت و با لبیک گفتن زنان به این پاسخ پیامبر فعالیت‌های علمی زنان در کنار دیگر مردان آغاز گردید.

۳-۵. حمایت سیاسی

در پی این اقدامات، پیامبر ﷺ به تدریج ساختار سیاسی و اداری مورد نظر خویش را در مدینه مستقر کرد، با بهره‌گرفتن از درونمایه حفظ و گسترش عقاید دینی، که هدف اصلی ایشان در جامعه نیز بود بدنه سیاسی و اداری جامعه محکم شد. پیامبر پیمان‌نامه‌ها و عهدنامه‌هایی با قبایل گوناگون منعقد کرد. در این پیمان‌ها، پیامبر با سیاستی حساب شده و موفقیت‌آمیز حفظ و ثبات دولت نوپای مدینه را تضمین کرد.

از جمله کارهایی که زنان مهاجر استقلال اجتماعی خویش را با آن نشان دادند و در ایجاد تمدن اسلامی سهم گرفتند طوری که در قرآن کریم ذکر گردیده بیعت نمودن با رسول گرامی اسلام ﷺ است. «یا ایها الذین آمنوا إذا جاءکم المؤمنات مهاجرات فامتنوهن الله أعلم بما یمانهن فإن علمتموهن مؤمنات فلا ترجعوهن إلى الکفار لا هن حل لهم ولا هم یحلون لهن و آتوهن ما انفقوا و لا جناح علیکم أن تنکحوهن إذا آتیتموهن أجورهن و لا تمسکوا ببعض الکوافر و سئلوا ما انفقتم و لیسئلوا ما انفقوا ذلکم حکم الله ینکم و الله علیم حکیم» (ممتحنه: ۱۰). بیعت زنان را می‌توان گوشه‌ای از مشارکت سیاسی آن‌ها دانست. در اوایل هجرت رسول خدا به سوی مدینه بعد از صلح حدیبیه، عده‌ای از زنان کفار که به مدینه هجرت نموده بودند و در کنار عزم گرویدن به دین اسلام از پیامبر ﷺ تقاضای پناه را نمودند و تصمیم بر بیعت با رسول خدا را داشتند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۹/ ۴۰۸).

آمده است (سیبیه) دختر حرث اسلمی به سوی مدینه هجرت نمود و همسرش (مسافر مخزومی) طالب آن بود تا اینکه آیه‌ای نازل شد و از برگرداندن آن در صورت واجدیت یک سری شرایطی، پیامبر را منع نمود. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۵/ ۳۰۴) همچنان (ام کلثوم بنت عتبہ بن ابی معیط) از جمله زنانی بود که برای قبول کردن دین اسلام به سوی مدینه مهاجرت نمود و با اینکه از سوی برادرانش برای برگشت درخواست گردیده بوده اما پیامبر بنا بر دستور الهی او را برنگرداند. (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۶/ ۲۰۶)، (ممتحنه: ۱۰). مهاجرت زنان به سوی سرزمین اسلامی علاوه بر اینکه جلوه‌ای از حق انتخاب آن‌ها بود، گوشه‌ای از نقش زنان در امور سیاسی محسوب می‌شد. هجرت از بلاد کفر به بلاد اسلامی می‌تواند پیام‌های فراوانی به دنبال خود داشته باشد. از جمله نفی نظام حاکم به جامعه اسلامی در کنار تبلیغ آئین جدید به مراکز مستعد و اساسی‌ترین آن‌ها، اقدام جهت تأسیس حکومت اسلامی و تقویت حکومت نو پا است.

بر اساس این اقدامات و بر پایه شواهد بی‌شمار دیگر، می‌توان گفت از همان روزهای نخستین هجرت، ابعاد تمدن‌سازی اسلام نمود یافت و زنان مهاجر با هماهنگی از درون و پذیرش باطنی ارزش‌های نظام اسلام در همه مراتب اجتماعی در پی ساخت جامعه‌ای بهنجار و کارآمد برآمدند و چنین جامعه‌ای می‌تواند پایه‌گذار یک فرهنگ یا تمدن جهانی باشد و سرآغاز یک مرحله بزرگ تاریخی قرار گیرد.

۴-۵. حمایت نظامی

در زمان رسول‌خدا غزوات زیادی از سوی مسلمانان انجام گرفت و مناطقی مانند مکه و خیبر بدست مسلمانان فتح گردید. که همه این غزوات نقش مهمی در اعتلای تمدن نوین اسلام داشت. از جمله آثار این فتوح را می‌توان اقتباس فرهنگ و جلب استادان و هنر پیشگان و نویسندگان از سایر بلاد به داخل شهرهای اسلامی دانست که از هضم مجموعه نکات مثبت فرهنگ‌های دیگر پیشرفت چشمگیری در سرزمین اسلام صورت گرفت. زنان مثل همیشه مردان را در اینگونه غزوه‌ها و فتح‌ها تنها نگذاشته و از هر طریق ممکن اسلام را در این عرصه از حمایت خویش محروم نمی‌نمودند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم نه تنها زنان را در غزوه‌ها شرکت می‌داد بلکه برای هریک از آنها نقش معینی در جبهه واگذار می‌نمود. از جمله زنان مهاجری که در غزوات حضور داشتند امّ سلمه با شرکت در هشت غزوه (احد، خیبر، تبوک، طائف، خندق، خیبر، حدیبیه، فتح مکه) در رتبه اول و امّ عماره نیز با شرکت در هفت غزوه در رتبه دوم قرار دارد. متباقی زنان مهاجر شرکت‌کننده در غزوات و حملات نظامی، صفیه بنت عبدالمطلب، امّ ایمن، فاطمه زهرا علیها‌السلام، عایشه و... را می‌توان نام برد. در منابع کم نام ۳۴ تن از زنان شرکت‌کننده در نبردهای نظامی دیده شده که تعدادی از زنان نامبرده مهاجر بودند. زنان قبل از ورود به جنگ مهارت‌های لازم را می‌دیدند و هرکدام نقش خاصی در جنگ داشتند از جمله مداوای مجروحان و پانسمان کردن جراحت زخمیان، بردن تیر و سلاح به خط مقدم برای رزمندگان، محافظت از وسایل جنگی، دوختن مشک‌های

پاره، و برخی دیگر زنان وظیفه داشتند نان و آب را برای رزمنده‌ها حمل و نقل نمایند. امّ ایمن که رسول الله ﷺ او را همواره مادر خطاب می‌کرد از جمله زنان مهاجری بود که به مداوای مجروحان می‌پرداخت. از آن دسته از زنان مهاجری که در جنگ‌ها همواره حضور داشتند گاهی در وقت ضرورت با دشمن نبرد می‌کردند. از زنان مهاجری که در مواقع حساس با دشمن به‌طور مستقیم درگیر شدند می‌توان از امّ سلیم، صفیه و امّ عماره و امّ ایمن نام برد. از پیامبر ﷺ نقل شده که به چپ و راست نگاه می‌کردم غیر از عماره را نمی‌دیدم که از من دفاع می‌کرد و شمشیر می‌زد. امّ عماره در عین حال که چند زخم در بدن داشت فرزندش را به مبارزه با دشمن ترغیب می‌کرد تا آنجا که پیامبر توانایی او را با بیان اینکه (ای عماره چه کسی به قدر تو تواناست، ستود) و بعد از شرکت‌های فراوان در دیگر غزوه‌ها مانند: غزوه حدیبیه، حنین و... شرکت نمود تا اینکه بعد از رحلت رسول-خدا با شرکت در غزوه یمامه دستش قطع گردید. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ج ۱۴/ ۲۶۵). از دیگر زنان مهاجر صفیه دختر عبدالمطلب (عمه رسول خدا) در نبرد خندق اقدام به مقابله نظامی کرد و یکی از یهودیان را کشت و همچنان در جریان نبرد احد فردی یهودی را که درباره همسران پیامبر جاسوسی می‌کرد به قتل رسانید. این زن شجاع وقتی دید مسلمانان از جنگ احد می‌گریزند با نیزه‌ای که در دست داشت رو به جلو می‌رفت و با آن بر صورت مردم می‌زد و می‌گفت آیا از گرد رسول خدا ﷺ می‌گریزید؟ در غزوه حنین غیر از امیرمؤمنان و تنی چند از بنی‌هاشم، بقیه مسلمانان گریختند. در آن هنگامه سخت، زنانی، مردانه ایستادند. امّ عماره، امّ سلیم، امّ سلیط، امّ حارث در این معرکه جهاد کردند. زنان مهاجر حاضر در غزوه‌ها علاوه بر اینکه خودشان شرکت می‌کردند دیگران را نیز ترغیب می‌نمودند. بنابراین حضور زنان مهاجر در نبردها و میزان اهمیت آن در رشد تمدن اسلامی روشن گردید و ثابت شد زن استعدادهای فراوانی در تمامی عرصه‌ها می‌تواند داشته باشد.

۵-۵. حمایت اقتصادی

یقیناً عوامل طبیعی و مادی در پیدایش تمدن نقش دارند. رسیدگی به مسائل اقتصادی بستر پیدایش تمدن را فراهم می‌کند طوریکه شرایط جغرافیایی نیز در آن دخیل هستند. انسان‌ها با آسایش خاطر از ما یحتاج اولیه زندگی به فکر ایجاد علم، فلسفه، ادبیات، هنر و غیره می‌افتد و تنها در این صورت است که تمدنی پدیدار می‌گردد. مسلمانان صدر اسلام نظر به محیط بیابان خیز عربستان تلاش بیشتری برای ادامه حیات می‌نمودند و با سختی‌های فراوانی زندگی خویش را سپری می‌کردند. زنان مهاجر اعم از انصار و مهاجرین با وجود انواع کمبودهایی که داشتند درصدد یاری رساندن به رسول گرامی اسلام و دیگر مسلمانان از هیچ تلاشی دریغ نمی‌نمودند.

در بین گزارش‌هایی که از فعالین زنان مهاجر به دست ما رسیده مهم‌ترین و مؤثرترین آن‌ها حمایت اقتصادی می‌باشد.

طوریکه به خوبی آشکار است حضرت خدیجه کبری ع.ا.س. همسر گرامی پیامبر اسلام ص.ا.ع. از زنان قبل از هجرت بوده که تمامی اموال و ثروت خویش را برای تقویت اسلام و مسلمانان پناه برده به شعب ابوطالب به مصرف رسانید و بعد از تولد فاطمه زهرا ع.ا.س. همه اندوخته خویش را به رسول خدا ص.ا.ع. هبه نمود تا هرگونه تصرفی که می‌خواهد در آن نماید. در سال ۶۲۰ بعد از وفات حضرت خدیجه ع.ا.س. پیامبر ص.ا.ع. راه تعدد زوجات را پیش می‌گیرد و از این طریق پیوندهای موجود را مستحکم‌تر و پیوندهای جدیدی را آغاز می‌نماید تا تمدن اسلامی در مسیر رشد خویش همواره در حرکت باشد. بعد از هجرت زنان مسلمان به مدینه هر زنی از زنان مهاجر در کنار زنان انصار تا حدّ توان خویش در تقویت حکومت نبوی و تمدن اسلامی تلاش می‌نمودند. مطابق گزارشی در غزوه تبوک (سال نهم هجری) با توجه به کثرت نیروهای جهادگر (حدود سی هزار نفر) و حساسیت نبرد با روم و مسافت طولانی محل نبرد و عدم توانایی رسول خدا ص.ا.ع. برای تجهیز تمامی افراد سپاه برخی از زنان از جمله زنان مهاجر و انصار با اعطای زیور آلات خود آن حضرت را یاری

کردند. در خبری آمده که پارچه‌ای جلوی رسول-خدا پهن بود که در آن دستبندها، بازوبندها، خلخال‌ها، گردنبندها و انگشترهایی بود که زنان اهداء کرده بود تا سپاه اسلام را یاری دهند ((سامانی، ۱۳۹۰: ۴۷). زنان علاوه بر آنکه برای تأمین نیازهای اقتصادی خانواده که کوچکترین واحد اجتماعی می‌باشد دست به زنیلبافی، زیلوبافی، بافندگی، آسیاب کردن، ساختن ابزارهای تزئینی، خیاطی و ریسندگی می‌زدند. حتی در بیرون از منزل نیز عهده‌دار برخی مشاغل بودند. آن‌ها در غیاب شوهران خویش دست به مزرع و کشت می‌زدند تا جاییکه سرزمین مدینه از دست آن‌ها سرسبز شده بود.

فاطمه زهرا علیها السلام دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله علاوه بر اینکه پول بدست آمده از ریسندگی و آسیاب کردن را در راه اسلام هدیه می‌کرد، باغ فدک را که از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله به ارث گرفته بود در راه فقرا مصرف می‌نمود و هزاران کارگر مستمند برای برطرف ساختن مایحتاج زندگی خود در آن مشغول به کار بودند (ابن بابویه، بی‌تا: ج ۱/۱۷۳) تا اینکه به وسیله خلیفه وقت غصب گردید. (حر عاملی، ۱۳۸۰: ۵۷۰).

با سیری در ادوار گذشته پیرامون زنان مهاجر صدر اسلام و نقش آن‌ها در حکومت اسلامی به جاست تا نحوه الگوگیری آن وقایع را برای زنان مبلغ مهاجر عصر کنونی تحلیل نمایم. چه بسا گذشتگانی که بهترین سرمایه برای پنددهی آیندگان است. و بر ماست که ازین سرمایه‌گران بها بیشترین استفاده را نمایم.

۶. پیش‌آمدهای احتمالی برای زنان مبلغ مهاجر و راه مبارزه با آن

امروزه تبلیغات فراوانی توسط اغیار بر علیه مکتب ما و راه پیشرفت آن در حال برنامه‌سازی و اجرا هستند تا افکار مسلمانان مخصوصاً جوانان را مخدوش ساخته و بذر فساد را در دل‌های تازه آن‌ها قرار دهند و دین اسلام هرگز خاموش ننشسته و برای مقابله با تک تک آن‌ها برنامه‌هایی را از طریق اسوه رفتاری و گفتاری پیشوایان گذشته خود برای ما مقرر ساخته است. یکی

از بزرگ‌ترین برنامه و زمینه‌های خداشناسی و الگوگیری در تمام عرصه‌های زمانی و مکانی، بررسی تاریخ آغازین اسلام است. به‌طور نمونه مهم‌ترین موانع برای بی‌اثرسازی تبلیغ عالمان کنونی، تقلیدهای کورکورانه، پیروی از هوای نفس، در نتیجه بی‌توجهی به مقدسات دینی می‌باشد. راه برون رفت از این موانع خانمانسوز، حمایت مادی و معنوی، ایمان در کنار توکل به خدا و صبر در برابر شداید و سختی‌ها، مبارزه با طاغوت و طاغوتیان است. همانطور که زنان مهاجر صدر اسلام علاوه بر دیدن سختی‌های طاقت‌فرسا دست به عمل زدند و تا توان داشتند به عشق الهی و رسالت حقه از اسلام دفاع نمودند، ما نیز نباید اندکی در غفلت بمانیم و به آسانی تسلیم دشمنان اسلام گردیم. حق همیشه بر باطل پیروز است و این بسته به ضعف و قوت ایمان ما دارد.

ازجمله اهداف اسلام و سنت رسول‌الله ﷺ و چگونه نتیجه‌گیری از تاریخ مسلمانان صدر اسلام را می‌توان به‌طور خلاصه ازین قرار نام گرفت :

۱. مبارزه با تهاجم فرهنگی ۲. احیای سنت الهی ۳. مبارزه با فساد اجتماعی
۴. درس صبر و بردباری ۵. دفاع از حق ۶. مبارزه با ستمگران ۷. از بین بردن دنیا پرستی ۸. الگوی نادمان.

همه این مواردی که ذکر گردید یک قطره از دریای ژرف مکتب اسلام به حساب می‌آید که اجرای حداقل یکی از آنها می‌تواند برای ما رهروان این آئین بزرگ، زندگی‌ساز باشد.

نتیجه مطالب

امروزه اگرچه دایره تبلیغ از جایگاه گذشته خود فراتر رفته و از انحصار در سخنرانی و قلم و کتاب و فیلم و نمایش خارج گردیده اما به‌کارگیری همین ابزار و روش‌ها نیز خود تابع زمان و مکان-های مناسبی هست که از سوی عالمان دین باید انتخاب گردد. علما اعم از زنان و مردان مبلغ می‌توانند با توجه به زندگی زنان بزرگ تاریخ سیره رفتاری آنها را مورد مطالعه قرار داده و از

آن پیروی نمایند؛ زنان مهاجر با تلاش‌ها، مقاومت‌ها، صبوری‌ها و نبردهای خویش نقش سترگی در زمینه سیاسی تمدن نوین اسلام داشتند. زنان و دخترانی که بار مبارزه‌ها و مصیبت‌ها و رنج‌ها و سختی هجرت را بر دوش کشیدند و شجاعانه ایستادند و سر بر آسمان ساییدند و هرگز تسلیم دشمنان و دژخیمان نشدند. همانطور که استکبار جهانی اهداف خود را به انواع وسایل در جهان پیاده می‌کند و ما گوشه‌ای از آن‌ها را می‌رویم متأسفانه رقابت‌های ناسالم و کم‌رنگ شدن جایگاه امر به معروف و نهی از منکر و شناخت ارزش‌های دینی و شانه خالی نکردن از زیربار مسئولیت در کنار استمداد الهی همه و همه می‌تواند اسباب محکمی و دژ مستحکمی در مقابل میلیون‌ها تبلیغ استعمار جهانی باشد اما آنچه که بر اثر گذشت زمان رنگ باخته و روز به روز توجیهات نادرستی را به دنبال خود می‌آورد عصری سازی‌های کورکورانه مطابق امیال ممالک غربی و عتیقه پنداشتن حوادث تاریخی قوام‌بخش دینی همچون هجرت رسول‌الله ﷺ به سوی مدینه، چگونگی همراهی پیامبر ﷺ از سوی زنان و مردان تازه مسلمان جهت تقویت حکومت اسلامی و... می‌باشد طوریکه جوانان امروزی با خوگرفتن به زرق و برق‌های فرعون‌ی و وعده‌های دروغین و تهمت‌ها و تحقیرها به حرمت جانشینان و رهروان انبیاء الهی در حال فاصله گرفتن از دین هستند و یک تبلیغ اصولی با برنامه‌ریزی درست همراه با اطلاعات لازم مطابق با عصر حاضر می‌تواند جامعه را از جهل به علم و از شرک به توحید و از طاغوت‌پرستی به ایمان و خدا پرستی سوق دهد. امیدواریم زنان و دختران جامعه ما در تاسی به این بزرگان، زندگی سعادت مندی را برای خود و خانواده‌هایشان فراهم آورند و از نور هدایت این بزرگان بهره گیرند تا با مبارزه از کژروی‌ها، تبیین روشن ارکان فرهنگ اسلامی، ترویج خردگرایی و آزاد اندیشی، سیره عملی، ارج نهادن به دانش، تأسیس نهادهای آموزشی، نقش برجسته‌ای در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی ایفاء نمایند.

فهرست منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ۱. ابن شعبه، حسن بن علی، (۱۳۷۶)، رهاورد خرد (ترجمه تحف العقول)، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۲)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران: نشر صدوق.
- ۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۷)، الخصال، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی.
- ۴. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۰)، کمال الدین، ترجمه منصور پهلوان، قم: دار الحدیث.
- ۵. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۴)، الطرائف، ترجمه داود إلهامی، چاپ دوم، قم: نوید اسلام.
- ۶. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه لابن ابی‌الحدید، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ۷. ابن بابویه، محمد بن علی، (بی‌تا)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه محمدتقی آقا نجفی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- ۸. امین، سیدمهدی، (۱۳۹۰)، تاریخ صدر اسلام، قم: بیان جوان.
- ۹. بلادی، عاتق، (۱۳۹۰)، مسیر هجرت رسول الله صلی الله علیه و آله، تهران: مشعر.
- ۱۰. حیدری، احمد، (۱۳۸۷)، بزرگ زنان صدر اسلام، چاپ چهارم، قم: هدایت.
- ۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۰)، الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی)، چاپ سوم، تهران: دهقان، ۱۳۸۰.
- ۱۲. خصیبی، حسین بن حمدان، (۱۴۱۹ق)، الهدایه الكبرى، بیروت: البلاغ.
- ۱۳. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، (بی‌تا)، النوادر (لراوندی)، قم: دار الکتاب.
- ۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۴)، تفسیرالمیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ق)، الدرالمثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
۱۶. سامانی، سید محمود، (۱۳۹۰)، نقش زنان در تاریخ اسلام، تهران: مشعر.
۱۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۸۰)، آرام بخش دل داغدیدگان (ترجمه مُسکَن الفؤاد)، ترجمه حسین جناتی، چاپ دوم، قم: روح، ۱۳۸۰.
۱۸. طیبی، ناهید، (۱۳۸۶)، گونه‌شناسی رفتار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، قم: مؤسسه فرهنگی طه.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰)، مجمع البیان، تهران: فراهانی.
۲۰. علی بن الحسین علیه السلام، امام چهارم، (۱۳۷۶)، الصحیفه السجادیة، ترجمه و شرح علی نقی فیض الإسلام، چاپ دوم، تهران: فقیه.
۲۱. عروسی حویزی؛ عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالتقلین، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان.
۲۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۶۶)، روضه الواعظین، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۹)، أصول الکافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۵)، أصول الکافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، چاپ سوم، قم: اسوه.
۲۵. کاشفی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ سوم، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۶. گروهی از نویسندگان، (۱۳۸۵)، هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۲۷. محمد بن حسین، شریف الرضی، (۱۳۸۶)، نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، چاپ دوم، تهران: پیام آزادی.
۲۸. مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۶۲)، إثبات الوصیة لعلی بن أبی طالب علیه السلام، ترجمه محمدجواد نجفی، چاپ دوم، تهران: اسلامیة.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۷۹)، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار)، ترجمه محمد روحانی علی آبادی، تهران: مهام.



۳۰. نصر بن مزاحم، (۱۳۷۰)، پیکار صفین / ترجمه واقعہ صفین، ترجمہ پرویز اتابکی، چاپ دوم، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳۱. ہلالی، سلیم بن قیس، (۱۳۷۷)، تاریخ سیاسی صدر اسلام (ترجمہ کتاب سلیم)، ترجمہ محمود رضا افتخارزادہ، تهران: رسالت قلم.
۳۲. ہلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ق)، کتاب سلیم بن قیس الہلالی، قم: الہادی.